

رویکرد ارتباط گرایي و دلالت‌های آن در مدیریت دانش شخصی

سیما قرآنی سیرجانی^۱، هادی پورشافعی^۲

۱- دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه بیرجند

۲- دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه بیرجند

چکیده

در عصر ارتباط گرایي، یعنی جامعه کنونی، تغییرات مداوم فناوری و نیز شیوه‌ای که افراد و امور از طریق شبکه بهم مرتبط می‌شوند، تنها روی آنچه آموخته می‌شوند تاثیر نمی‌گذارند، بلکه شیوه‌های شناسایی و آموختن را نیز تغییر می‌دهند. رویکردهای سنتی یادگیری، فلسفه‌ها و پارادایم‌های آموزشی، همچون رفتار گرایي، شناخت گرایي، انسان گرایي و ساخت گرایي که پایه و اساس آموزش و تدریس بوده‌اند، دیگر پاسخگوی نیازهای آموزشی جوامع دانشی امروز نیستند. جامعه نیازمند افرادی می‌باشد که پیوسته دانش خود یا دانش الکترونیکی خود را به روز نمایند. قابلیت ضروری مورد نیاز برای یک یادگیرنده دائمی در جامعه‌ی دانش، توانایی "متصل ماندن" و "تعلق داشتن" به جوامع دیجیتالی است که در آن منافع می‌توانند دائما به اشتراک گذاشته شوند. بنابراین با توجه به این که هر فرد در جامعه دانش باید یک تجربه یادگیری دائمی شخصی را ایجاد نماید که در سراسر مراحل یادگیری رسمی و غیر رسمی با درجات مختلفی از کاربرد تکنولوژی همراه باشد، تئوری ارتباط گرایي به عنوان یک نظریه یادگیری، می‌تواند چارچوبی ارزشمند را برای غنی سازی محیط یادگیری و توسعه مهارت‌های مدیریت دانش بویژه دانش شخصی فراهم سازد. یک محیط شبکه‌ای، امکانی را برای شروع و توزیع فعالیت‌های مدیریت دانش و یادگیری برای افزایش خلق دانش فردی و گروهی انعطاف‌پذیر، از طریق بازخورد و تشخیص فراهم می‌سازد. هدف مقاله حاضر بررسی ماهیت ارتباط گرایي و چگونگی ارتباط آن با کسب مهارت‌های مدیریت دانش شخصی برای یک محیط شبکه‌ای می‌باشد، مهارت‌هایی که برای یادگیری مادام‌العمر در جامعه دانش الزامی است. در انتها به نقدهای وارد شده بر این دیدگاه اشاره شده است.

واژگان کلیدی: ارتباط گرایي، مدیریت دانش شخصی، یادگیری دیجیتال